

## در جستجوی مرهشی باستان در منطقه پشتکوه استان ایلام<sup>[۱]</sup>

ابراهیم مرادی\*

خداکرم مظاهری\*\*

### چکیده

هدف این تحقیق مطالعه و بررسی منابع تاریخی در مورد شهر یا منطقه‌ی مرهشی است. این مکان یکی از نواحی پرحادثه‌ی ایران در هزاره‌های دوّم و سوّم ق.م. بوده است. مرهشی در بیشتر دوران حیاتش یکی از متحدان مهم ایلام باستان بوده و در متون و کتیبه‌های به جای مانده همواره نام آن در کنار نام ایلام باستان ذکر شده است. در واقع، مرهشی قسمتی از کشور ایلام باستان بوده است. این محل پایگاهی بوده که ایرانیان از آنجا به میان‌رودان حمله می‌کرده‌اند و برعکس، هنگامی که میان‌رودانی‌ها به سوی ایران حمله‌ور می‌شده‌اند، مرهشی اولین نقطه‌ای بوده که به تصرف در می‌آمده است. البته؛ در مورد موقعیت مرهشی نظریات متفاوتی وجود دارد. بعضی از باستان‌شناسان نظیر فرانسوا والا موقعیت مرهشی را در بلوچستان، استینکلر موقعیت آن را در شرق استان فارس و کرمان و باستان‌شناسان دیگر مانند: شاخت، پاتس، هیتس، کامرون، نگهبان و مجیدزاده موقعیت مرهشی را با اختلافات اندکی در مناطقی بین حدود شمال/شمال‌غرب خوزستان و میان‌رودان؛ یعنی منطقه‌ی پشتکوه استان ایلام یا حوالی آن می‌دانند. این تحقیق با مطالعه و بررسی منابع تاریخی به این نتیجه رسیده است که به احتمال زیاد مرهشی در محدوده‌ی منطقه‌ی پشتکوه استان ایلام قرار داشته است.

واژگان کلیدی: استان ایلام، منطقه‌ی پشتکوه، مرهشی، هزاره‌های دوّم و سوّم ق.م.، منابع تاریخی، ایلام باستان.

### مقدمه

مطالعه‌ی متون کهن و ردیابی نوشته‌های تاریخی از طریق پژوهش‌های باستان‌شناسی منجر به کشف رمز و راز مکان‌های تاریخی بسیاری و نیز به دست آمدن اطلاعات ذی‌قیمتی گردیده است. از این رو، امروزه مطالعه و تجزیه و تحلیل متون کهن جایگاه والایی در پژوهش‌ها و فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی دارد. در این تحقیق به بررسی اطلاعات منابع تاریخی در مورد «مرهشی»<sup>۱</sup> پرداخته می‌شود. واژه‌ی مرهشی (که در این مقاله استفاده شده است) در منابع به شکل‌های مختلفی (ماره‌اشی، ورهشی، مرهشه، ورهشه، ورخشه، باراخشه، واراخشه، واراخشه، وراخشی، برهشوم، براهشی، باراهسوم) آمده است. به طور مثال: مجیدزاده به صورت «وَرَهْشَه» و «مَرَهْشَه» (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۶، ۱۱۸ و ۱۲۷) و نگهبان به صورت «باراخشه» و «واراخشه» آورده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۵۰۸). در اینجا بایستی

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی- واحد ایلام

\*\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی- واحد ایلام و نویسنده‌ی مسئول

یادآور شد که در منابع تاریخی دقیقاً مشخص نیست که مرهشی اسم یک شهر است یا اسم یک دولت شهر (مانند جنوب میانرودان) یا این که اسم یک منطقه جغرافیایی با تعدادی مراکز مسکونی. به هر حال، مرهشی از جمله مناطق مهم و حادثه‌خیزی است که از طریق اسناد و مدارک کتبی اواسط هزاره‌ی سوّم ق.م. به بعد معرفی شده است. یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی که به وسیله‌ی آنها می‌توان پیشینه‌ی تاریخی مردمانی را که در این دوران در حوزه‌ی فرهنگی جنوب غربی ایران می‌زیسته‌اند، بازسازی کرد، منابع میان‌رودانی؛ یعنی لوح نوشته‌هایی شامل: سالنامه‌ها و گاه‌نامه‌هایی است که اغلب به شرح پیروزی‌های پادشاهان میان‌رودان بر مردم سرزمین‌های همسایه‌ی خود به ویژه غرب ایران پرداخته‌اند و گاه به شکست‌های خود از آنان اشاره می‌کنند. با وجود آن که در بازگویی موفقیت‌های این پادشاهان اغراق و افراط شده است، بازگو کننده‌ی وقایعی هستند که اگر این نوشته‌ها وجود نداشت، حداقل نوشتن تاریخ سیاسی آن روزگار دچار اشکال می‌شد. در تمامی این نوشته‌ها مردمی که در نواحی جنوب غربی ایران می‌زیسته‌اند، کوهستان‌نشینانی سرکش معرفی شده‌اند که دسترسی به آنها دشوار بوده است؛ اما برای دسترسی میان‌رودان به منابع غنی غرب ایران، غلبه یا هم‌پیمانی با آنها ضروری بوده است (شیشه‌گر، ۱۳۸۴: ۵۶؛ هیتس، ۱۳۷۱: ۸۵؛ کامرون، ۱۳۷۲: ۲۴ - ۲۷). تقریباً تمام متون و مدارک کتبی که در این زمینه تا کنون مورد بررسی قرار گرفته، از میان‌رودان به دست آمده‌اند و پژوهشگران بارها آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

### مرهشی در منابع تاریخی

از دوران پس از نوسنگی تا اواخر هزاره‌ی دوّم ق.م. - به استثنای وقفه‌هایی کوتاه- دشت خوزستان مرکز ثقل تاریخی غرب ایران بود. آن‌گاه که زاگرس و غرب فلات ایران در صحنه نمایان شدند، یا بخشی از تمدن ایلام باستان بودند یا نواحی فرهنگی مستقل ولی کم‌اهمیتی در حوزه‌ی ایلام باستان یا میان‌رودان به شمار می‌رفتند (لوین، ۱۳۸۱: ۴۴۸). در منابع تاریخی متعلق به هزاره‌های سوّم و دوّم ق.م. به کرات از مرهشی نام برده شده است. در این مقاله به منظور رعایت توالی زمانی و بیان جزئیات، منابع تاریخی در بازه‌ی زمانی مورد نظر را به پنج دوره تقسیم نموده و به بررسی آنها پرداخته‌ایم. در ارائه‌ی دوره‌بندی مذکور از باستان‌شناسی (مانند پاتس، ۱۳۸۵؛ Carter, 1991 & 1998) که در حوزه‌ی مطالعات ایلام باستان تحقیق و پژوهش نموده‌اند، پیروی شده است.

#### ۱. دوره‌ی اوان (۲۲۰۰ - ۲۶۰۰ ق.م.)

براساس منابع تاریخی، شوش در این دوره یک شهر مرزی بوده که به طور متناوب تحت کنترل مراکز سیاسی ساکن کوهستان‌ها شامل: اوان و شیماشکی و امپراتوری‌های میان‌رودان شامل: آکد و سلسله‌ی اور III در می‌آمده است. تأثیرات این تغییرات تا حدودی در اسناد باستان‌شناختی نیز منعکس شده است (Carter, 1998: 317; & 1980: 31). شوش در بخش اعظم دوره‌ی آکد (۲۱۵۰ - ۲۳۳۰ ق.م.) تحت تسلط میان‌رودی‌ها بوده است. منابع تاریخی نشان می‌دهد که فرستاده‌ها و مأموران به طور مرتب بین سومر، آکد و شوشان در سفر بوده‌اند (کارتر، ۱۳۷۶: ۱۸۳).

یکی از مناطقی که از اواسط هزاره‌ی سوم تا اواسط هزاره‌ی دوم پ.م. بارها نام آن در منابع تاریخی آمده، سرزمین/ شهر مرهشی است. نام این سرزمین در متون کهن، همواره در کنار نام ایلام باستان (چه در فهرست فتوحات پادشاهان میان‌رودانی و چه در سرکشی‌ها و شورش‌ها بر علیه میان‌رودانی‌ها) ذکر شده است. به نظر می‌رسد مرهشی به انگیزه‌ی حفظ خود با ایلام روابط دوستانه‌ای داشته است. قدیمی‌ترین سند مکتوبی که در آن نام سرزمین مرهشی ذکر شده، کتیبه‌ای طولانی مربوط به "لوگل - ان - موندو" پادشاه سلسله‌ی شهر ادب از دوران سلسله‌های قدیم III (حدود ۲۳۵۰ - ۲۶۰۰ ق.م.) میان‌رودان می‌باشد. در کتیبه‌ی مذکور نام این پادشاه همراه با شرحی از پیروزی‌ها و فعالیت‌های عمرانی او بیان شده است. در شرح پیروزی‌های این پادشاه، نبرد او با ایلام، مرهشی و گوتیوم نیز ذکر شده است (کامرون، ۱۳۷۲: ۲۲ و مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۸۲).

در زمان سارگون اکدی (حدود ۲۲۷۹ - ۲۳۳۴ ق.م.) زمینه‌ی مطمئن‌تری از تاریخ ایلام باستان در دست است. سارگون با سیاست‌های گسترش طلبانه‌ی خود نه تنها بر قبایل ساکن کوه‌های زاگرس استیلا یافت، بلکه باعث شد که خطر یورش ایلامی‌ها به سرزمین میان‌رودان، برای مدّت مدیدی از میان برود. دو کتیبه از زمان سارگون در این زمینه اطلاعاتی را ارائه می‌دهد. یکی از این کتیبه‌ها حاوی جزئیات بیشتری است و با وجود خلاصه بودن آن، نکات مهمی در آن به چشم می‌خورد. تمام شواهد موجود در این کتیبه نشان می‌دهد که ساختار حکومت ایلام باستان بر اتحاد بخش‌های مختلف پایه‌ریزی شده است. از مطالب این کتیبه درباره‌ی پیروزی سارگون بر فرمانروای مرهشی بر می‌آید که این ایالت متحد ایلام؛ خود اتحادی از قسمت‌های گوناگون بوده است. در کتیبه نام فرمانروای مغلوب نیامده؛ اما نام برادر فرمانروا و نیز نام قاضی مرهشی ذکر شده است. احتمال دارد پس از شکست مرهشی به دست سارگون، این دو تن با هم به حکومت پرداخته باشند. نکته‌ی مهم این است که مرهشی خود نایب-السلطنه‌ای داشته که پس از پیروزی اکدی‌ها به شخصی به نام "سیدگو" انتقال یافته است.

کتیبه‌ی دوم سارگون باید پس از مدّت‌ها و گذشت زمانی نسبتاً طولانی از تهیه‌ی کتیبه نخست، در لشکرکشی دیگری از جانب فرمانروای اکد به "شرق سرکش" نوشته شده باشد. این کتیبه نام چند تن از افرادی را که در کتیبه-ی نخست آمده، ذکر کرده است. در میان آن‌ها نام نایب‌السلطنه "سیدگو" نیز به چشم می‌خورد. شخص مذکور که نقش مهمی در سیاست مرهشی ایفا نموده، به احتمال زیاد دست‌نشانده سارگون بوده است. مهم‌ترین نتیجه‌ای که از مطالعه‌ی دو کتیبه‌ی سارگون حاصل می‌گردد، این است که ایلام و همسایه‌ی شمال غربی آن (مرهشی) مطمئناً اتحادی را با یکدیگر تشکیل داده‌اند که در طول هشتصد سال تاریخ بعدی ایلام باستان پابرجا مانده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶-۷). از کتیبه‌ی سارگون استنباط می‌گردد که نواحی و ایالات مختلف کشور ایلام هر کدام حکومت‌هایی داشته‌اند. این وضعیت در مرهشی که یا همسایه هم مرز کشور ایلام یا احتمالاً منطقه‌ای از کشور ایلام باستان بوده است، دیده می‌شود. استنباط می‌شود که نحوه‌ی حکومت در کشور ایلام و مرهشی به صورت نظام فدرال بوده و از نیمه‌ی دوم هزاره‌ی سوم تا اواسط هزاره‌ی دوم ق.م. بدین نحو کشور ایلام اداره می‌شده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۸۲). مهم‌ترین مناطقی که سارگون فتح نموده ایلام، مرهشی و اوان بوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۹۹). سارگون خود را "شاه کیش، فاتح ایلام و مرهشی" لقب داده است (هیتس، ۱۳۷۱: ۸۲). یکی از

نخستین نقاطی که سارگون فتح کرده، "در"<sup>۲</sup> (بدره کنونی در کشور عراق) است. این شهر مشرف بر یکی از معابر خروجی کوه‌هاست (کامرون، ۱۳۷۲: ۲۴ - ۲۵). از این دوره به بعد، "در" به مهم‌ترین مسیر برای لشکرکشی‌ها تبدیل شده و چه سپاهیان میان‌رودانی و چه ایلامی‌ها برای تهاجمات خود به سمت طرفین از این مسیر استفاده می‌کرده‌اند. سابقه‌ی استفاده از این مسیر به دوره‌ی سلسله‌های قدیم میان‌رودان می‌رسد (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

ریموش (۲۲۷۰-۲۲۷۸ ق.م.) پسر سارگون، در آکد تازه به جای پدر نشسته بوده که شاه "هیشپ-راتب" ایلامی و شاه "ابالگاماش / ابل‌گمش" مرهشی از این فرصت برای به هم پیوستن نیروهایشان به منظور برافکندن یوغ خاندان سارگون استفاده کرده بودند؛ اما قبل از آن که ریموش بتواند درباره‌ی طغیان این کوه‌نشینان فکر کند، ابتدا ناچار بوده طغیان‌های درون میان‌رودان را فرو نشانند. ریموش بعد از این که توانسته امنیت را در سرزمین سومر برقرار کند، توجه خویش را به تسخیر دوباره‌ی سرزمین‌های شرقی امپراتوری معطوف داشته است. او بعد از فتح "در"، راه خود را در همان مسیر سختی که پدرش یک بار در آن جنگیده بود، به کوهستان‌های پشتکوه و به سوی دره‌ی کرخه گشود (هیتس، ۱۳۷۱: ۸۵). ریموش برای سرکوبی دشمنان به ایلام لشکرکشی نمود. این لشکرکشی که در شماری از الواح رونویسی شده‌ی "نیپور" آمده، گویای آن است که این جنگ از نظر آن‌ها بزرگ‌ترین پیروزی ریموش به حساب می‌آمد. اگرچه در شرح این لشکرکشی از ایلام نام برده شده است، پیروزی اصلی برای اکدی‌ها در جنگ با مرهشی خلاصه می‌شد؛ زیرا مرهشی محل وقوع یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های سارگون پدر ریموش بود. بر پایه‌ی کتیبه‌های ریموش، سپاهیان ایلام و سرزمینی به نام "زهری" علیه او متحد شدند. رهبری این اتحادیه به دست "ابالگاماش" پادشاه مرهشی بود و "سیدگو" فرماندار مرهشی او را همراهی می‌کرد. جنگ در محلی میان اوآن و شوش، در ساحل رودخانه‌ای به نام "کابینیت"<sup>۳</sup> (احتمالاً کرخه‌ی علیا) در گرفت. نتیجه‌ی این پیروزی تنها باز پس گرفتن مرهشی از دست ایلامی‌ها نبود، بلکه ویرانی بعضی از شهرهای ایلامی و برقراری حاکمیت و دریافت خراج سالانه از ایالت ایلام را دست کم در پی داشت (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱۰۰). متحدان در مقابل ریموش شکست خوردند و از دره‌ها به سوی دشت شوش رانده شدند؛ ولی سرنوشت شاه هیشپ راتب، معلوم نیست. به نظر می‌رسد بدون درد سر زیاد، از جنگ کنار کشیده؛ اما کشورش توسط ریموش به شدت آسیب دیده است (هیتس، ۱۳۷۱: ۸۵؛ کامرون، ۱۳۷۲: ۲۴ - ۲۷؛ پاتس، ۱۳۸۵: ۱۶۳ - ۱۶۹ و مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶ - ۷). کتیبه‌های ریموش نشان می‌دهد که او در مرهشی با نیروهایی متشکل از زهر، ایلام و مرهشی رویارو شده است. در این رویارویی، ریموش قبل از رسیدن به شوش، مرهشی را به تصرف در آورده است. هم‌چنین، مرهشی بین اوآن و شوش واقع شده است. البته، ممکن است رودخانه‌ی قبلیتوم / کابینیت / کبیتو همان سیمره باشد و بدین ترتیب بر مکانی در پشتکوه دلالت دارد. نام "سیدگو" و "ابالگاماش" هوری است و ممکن است به مکان مرهشی در شمال شوش اشاره داشته باشد (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۴۴ و ۱۶۵ و جدول ۶ - ۴). ریموش بعد از برگزاری جشن پیروزی‌اش بر ایلام و مرهشی، مقادیر انبوهی مس به معبد انلیل در نیپور هدیه کرده است (Moorey, 1985: 11). ظروف

<sup>2</sup> Der

<sup>3</sup> Cabinit

سنگی از جنس سنگ آهک از دیگر اشیائی است که ریموش بعد از فتح ایلام و مرهشی به معبد انلیل هدیه نموده است. ریموش اشاره کرده که اشیای ساخته شده از سنگ دیوریت را به صورت غنیمت جنگی از مرهشی به دست آورده است. بر اساس منابع تاریخی یک نوع سنگ عقیق از مرهشی وارد میانرودان می شده است. در منابع تاریخی دقیقاً مشخص نیست که نواحی ای مانند مرهشی منبع مواد خام بوده اند یا صرفاً مواد خام را تجارت می کرده اند (Ibid, 1994: 27, 45 & 97). به احتمال زیاد مناطقی مانند مرهشی مواد خام مورد نیاز میانرودان را تجارت می کرده اند.

"نارامسین" (۲۲۱۸ - ۲۲۵۴ ق.م). آخرین پادشاه قدرتمند اکدی است. در مدارک کتبی متعلق به دوران این پادشاه به لشکرکشی نارامسین به شوش یا قیام ایلام در برابر میانرودان اشاره ای نشده است. این مسأله با معاهده ای که میان نارامسین و پادشاه اوان منعقد گردیده به اثبات می رسد (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱۰۳ و ۱۳۷۰: ۸). در آن زمان پادشاه مرهشی شخصی به نام "هوشوم کیبی" بوده که ظاهراً در برابر نارامسین مقاومت هایی نموده است؛ ولی سرانجام به زنجیر کشیده شده و مرهشی نیز در کنار ایلام، فرمانگذار اکد شده است (کامرون، ۱۳۷۲: ۲۹ و هینتس، ۱۳۷۱: ۸۷ - ۹۰). منابع تاریخی از دوره ی جانشینان نارامسین نشان می دهد که "شرکلی شری" (۲۱۹۳ - ۲۲۱۷ ق.م) با پسرش به منظور ازدواج با شاهزاده خانمی اهل مرهشی از نیپور رهسپار شرق شده اند (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

## ۲. دوره ی شیماشکی (۱۹۰۰ - ۲۲۰۰ ق.م).

این دوره در میانرودان همزمان با دوره ی گوتی ها، دوره ی سلسله ی اور III و سال های اولیه ی شکل گیری سلسله - های ایسین لارسا است. به نظر می رسد شاهان سلسله ی اور III (۲۰۰۰ - ۲۱۲۰ ق.م) در میانرودان که نظارت و اداره ی شوش را در آغاز دوره ی سلسله ی شیماشکی در اختیار خود گرفته بودند، از خوزستان مرکزی و مناطق دهلران به عنوان گذرگاهی برای انتقال اجناس گران بهای سرزمین های مرتفع استفاده می نمودند (کارتز، ۱۳۷۶: ۱۸۴).

برقراری پیوندهای سیاسی در دنیای باستان با هدف ایجاد آرامش و امنیت در مرزها صورت می گرفته که در اغلب موارد نیز نتیجه بخش بوده است. شولگی (حدود ۲۰۴۷ - ۲۰۹۴ ق.م) مهم ترین فرمانروای سلسله ی اور III بوده است. از آن جا که شولگی در طول حکومتش قلمرو فرمانروایی خود را به لحاظ سیاسی و نظامی گسترش داده، در ایلام آثار متعددی از خود برجای گذاشته است. او در هجدهمین سال سلطنت یکی از دختران خود را به همسری فرماندار مرهشی و در سی و دومین سال سلطنت دختر دیگرش را به ازدواج فرماندار انشان در آورده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۹). مرهشی یکی از ایالات ایلامی بوده که نقش مهمی در تاریخ پادشاهان اکدی بازی کرده و احتمالاً به دلیل اهمیت موضوع، شولگی برای تحکیم پایه های سلطنت خویش یکی از دختران خود را به همسری شاهزاده ی مرهشی در آورده است. بعد از شولگی، "امرسین" (۲۰۳۸ - ۲۰۴۶ ق.م) فرمانروای سلسله ی اور III شد.

ایشان فرماندار مرهشی را خودش انتصاب نمود. آمد و شد بی‌وقفه‌ی پیک‌ها از شرق و شمال جاده‌ها به جنوب میان‌رودان گواهی بر وضعیت آرام منطقه در آن دوره بوده است (همان، ۱۳۷۶: ۱۱۶ و ۱۱۸).

هنگامی که "ایبی - سین" (۲۰۰۴ - ۲۰۲۸ ق.م.) فرزند جوان‌تر "شو - سین" در سال ۲۰۲۸ ق.م. به حکومت سلسله‌ی اور III رسید، در ایلام احساس گردید که زمان آزادی نزدیک شده است. در سومین سال حکومت ایبی - سین، شوش از فرمان دربار اور سرپیچی کرد و در سال ۲۰۲۰ ق.م. پادشاه شیماش برای حمله به سرزمین‌های پست جنوب میان‌رودان از قدرت خویش اطمینان کافی حاصل نمود. پادشاه شیماش شهرهای شوش، ادامدون / ادمدون و اوان در شمال شرق را به تصرف درآورد؛ ولی سرانجام "ایبی - سین" پادشاه سومری او را دستگیر و به اور فرستاد. یک منبع سومری نام او را "انبیلوا" ثبت کرده است؛ اما فهرست شاهان شوش او را "انپی - لوهن" می‌خواند که ظاهراً جانشین "گیرنامه" بوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۰ - ۱۱ و هیتس، ۱۳۷۱: ۹۷ - ۹۸). "ایبی - سین" در یک گزارش بلند مدعی شده است که شوش، ادامدون و اوان را همچون طوفان در هم شکسته و آنها را در یک روز مطیع خود کرده است (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱۲۰). در نوشته‌های دوره‌ی اور III بارها از مرهشی (به ویژه در مورد رفت و آمد سفیران) نام برده شده است؛ ولی موقعی که "ایبی - سین" شوش، ادمدون و اوان را در یک روز در هم کوبیده خبری از درگیر شدن مرهشی نبوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد فرماندار دست‌نشانده‌ی امرسین در این دوره هنوز به کار خود ادامه داده باشد (پاتس، ۱۳۸۵: جدول ۲ - ۵ و ۳ - ۵).

### ۳. دوره‌ی سوکالماخ (۱۶۰۰/۱۵۰۰ - ۱۹۰۰ ق.م.)

در توالی تاریخی دشت سوزیانا به دنبال مرحله‌ی شیماشکی، مرحله‌ی سوکالماخ پدیدار شده و با دوره‌های ایسین لارسا و سلسله‌ی حمورابی در میان‌رودان هم‌زمان بوده است. در دوره‌ی ایسین - لارسا (۱۸۰۰ - ۲۰۰۰ ق.م.) هم - زمان با اواخر دوره‌ی شیماشکی، "آنوم - موتابیل"، "نایب‌السلطنه" در، مدعی شده که سپاه انشان، ایلام و شیماش را در هم کوبیده و مرهشی را به تصرف درآورده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۲ و ۱۳۷۶: ۱۲۷). از دیگر وقایعی که در آن دوره رخ داده این است که ظاهراً هنگامی که "ریم سین" پادشاه لارسا برای مقابله با حمورابی (۱۷۵۰ - ۱۷۹۲ ق.م.) به سرزمین ایلام توسل جسته، ایلامیان به درخواست او پاسخ مثبت داده و مرهشی را پایگاه خویش کرده و از آنجا به سوبارتوم، گوتیوم، اشوننا و مالگیوم تاخته‌اند، لیکن در نهایت به دست سپاه حمورابی شکست خورده‌اند (کامرون، ۱۳۷۲: ۶۱ - ۶۲).

### ۴. دوره‌ی ایلام میانه I (۱۳۵۰ - ۱۵۰۰ / ۱۶۰۰ ق.م.)

آغاز دوره‌ی ایلام میانه (۱۰۰۰ - ۱۵۰۰ / ۱۶۰۰ ق.م.) از لحاظ تاریخی با ناپدید شدن سلسله‌ی سوکالماخ‌ها و احیای واژه‌ی حکومتی "پادشاه شوش و انشان" مشخص شده است. پایان این دوره را به طور قراردادی حدود ۱۰۰۰ ق.م. تعیین نموده‌اند. دوره‌ی ایلام میانه I با ظهور کاسی‌ها به منزله‌ی قدرتی جهانی هم‌زمان است. مشخصه‌ی این دوره از نظر تاریخی، سلسله‌ی "کیدینو" است. کاسی‌ها هنگام فرمانروایی "کوری‌گالزوی" دوم شوش، ایلام و

مرهشی را فتح کردند. وسعت و مدّت حکومت کاسی‌ها بر ایلام نامعلوم است. به نظر می‌رسد مدّت کوتاهی زمام اختیار شوشان را در دست داشته‌اند (شاخت، ۱۳۸۱: ۳۶۷). در نیمه‌ی اوّل قرن ۱۵ ق.م. پادشاهان کاسی بیشتر سرزمین بابل را به کنترل خود درآورده‌اند (Brinkman, 1972: 274). هم‌زمان با دوران سلطنت کاسی‌ها در بابل، بار دیگر نام مرهشی به عنوان حامی ایلامی‌ها در جنگ با کوری‌گالزوی دوّم (۱۳۲۴ - ۱۳۴۵ ق.م.) پادشاه کاسی بابل، به میان آمده است. این پادشاه در یک مبارزه‌ی سرنوشت‌ساز بر تمام سوزیان دست یافت. پیروزی‌ای که در پایتخت شوش، آن را جشن گرفت، تا آن‌جا که مجسمه‌ی خود را به یک معبد، با کتیبه‌ای این چنین: "کوری‌گالزو شاه ملت‌ها، حکمران مطلق شوش و ایلام، نابوده‌کننده‌ی مرهشی" بخشید. حمله مثل اغلب دوره‌های گذشته از بابل شروع شد، در طول کوه‌های شمال شرق، کبیرکوه و به دشت خوزستان ختم شد و مثل همیشه این مرهشی متحد ایلام بود که ضربه‌ی اوّل حمله را تحمل کرد (هیئتس، ۱۳۷۱: ۱۳۱). به نظر می‌رسد کوری‌گالزو فقط مناطقی را که در کتیبه‌اش نام آورده، فتح نموده و بقیه‌ی کشور ایلام باستان را تصرف نکرده است. ظاهراً کشور ایلام به علت وضع جغرافیائی که داشته هر گاه که از یک وحدت مقتدر سیاسی برخوردار نبوده، عموماً به قسمت‌های مجزای منطقه‌ای جغرافیایی تقسیم می‌شده که هر یک مستقلاً به وسیله پادشاهان و شاهزادگان اداره می‌گردیده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۵۰۸).

## ۵. دوره‌های بعد

مطالعه‌ی منابع تاریخی نشان می‌دهد که کوری‌گالزوی دوّم نابوده‌کننده مرهشی بوده و از آن تاریخ به بعد، در منابع تاریخی نامی از مرهشی به میان نیامده است. در واقع، دوره‌ی حیات مخاطره‌آمیز مرهشی از زمان سلسله‌های قدیم III آغاز شده و با لشگرکشی کوری‌گالزوی دوّم پایان یافته است. در حالی که ایلام پس از این شکست به تدریج توان و اقتدار خود را به دست آورده است. اوّلین جنگ مهمی که بعد از آن تاریخ از سوی ایلام به سمت میان‌رودان شکل گرفت، در زمان "اوتال‌گاش" بود. اوتال‌گاش در زمان جلوس "کودورانلیل" (۱۲۵۶ - ۱۲۶۴ ق.م.) بر تخت پادشاهی بابل، با اطمینانی که به نیروهای خود داشت، بابل را به مبارزه طلبید و حمله‌ی پیروزمندانه‌ای به خاک آن برد. محل احتمالی این حمله ناحیه‌ی مرزی رود کرخه بود. "انلیل - نادین - شومی" (۱۲۲۵ - ۱۲۲۷ ق.م.) و "ادد - شوم - ایدین" (۱۲۱۹ - ۱۲۲۴ ق.م.) در جنگ با "کیدین - هوتران" پادشاه ایلام و پذیرش دو شکست، تاج و تخت خود را از دست دادند. بار نخست ایلامی‌ها به شهرهای "نیپور" و "در" حمله کردند و معبد "سیترن" را در شهر "در" ویران کردند و در نوبت دوم "ایسین" را به تصرف درآوردند و پیشروی خویش را به جانب "مرد" در غرب "نیپور" ادامه دادند. "نبوکدرزاراول" (۱۱۰۳ - ۱۱۲۴ ق.م.) پادشاه قدرتمند بابل (سلسله‌ی دوّم ایسین)، با حمایت بیشتر قبایل در موقعیتی مناسب توانست انتقام شکست‌های پیشینانش را از ایلامیان بگیرد. نخستین حمله‌ی ایشان با شکست روبه‌رو شد. جنگ دوّم در چند سال بعد انجام گرفت. ابتداء نیروهای بابلی بدون برخورد با ایلامی‌ها، مسافتی در حدود ۳۲۰ کیلومتر را از سرزمین‌های دشوار جنوب شرق "در" پشت سر گذاشتند و در ساحل رود کرخه، در نزدیکی شوش ایلامی‌ها را غافلگیر کردند. در این جنگ پادشاه ایلام شکست خورد و از

صحنه درگیری گریخت (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱۹۵، ۱۹۸ و ۲۱۴ - ۲۱۵؛ Brinkman, 1972: 276). در هیچ کدام از این نبردها و نبردهای بعدی نامی از مرهشی به میان نیامده است.

### جمع‌بندی داده‌های مکتوب

از اواسط هزاره‌ی سوّم ق.م. و در دوره‌ی سلسله‌های قدیم III میان‌رودان برای اولین بار از مرهشی نام برده شده است و از این دوره به بعد و در زمان سلسله‌های آکدی، اور III، ایسین لارسا و سلسله‌ی کاسی‌های بابل به صورت کم و بیش از سرزمین مرهشی نام برده شده است؛ یعنی دوره‌ی حیات مرهشی حدود ۱۳۰۰ - ۲۵۰۰ ق.م. بوده و بیش از یک هزاره حیات پر مخاطره داشته است. بیشترین دوره‌ای که از مرهشی نام برده شده، دوره‌ی اور III است. در این دوره "شولگی" برای تحکیم پایه‌های سلطنتش یکی از دختران خود را به همسری فرماندار مرهشی در می‌آورد. در زمان "امرسین" جانشین شولگی، فرماندار مرهشی از سوی او گمارده شد. آمد و شد بی-وقفه‌ی پیک‌ها از مرهشی به جنوب میان‌رودان و برعکس، در متون این دوره آشکار است، به دلیل این روابط مستحکم است موقعی که "ایبی - سین" شوش، ادمدون و اوان را در یک روز در هم کوبیده خبری از درگیری شدن مرهشی به میان نیامده است و به نظر می‌رسد فرماندار دست‌نشانده‌ی امرسین در این دوره هنوز به کار خود ادامه داده باشد. بجز دوره‌ی اور III، در دوره‌های دیگر (سلسله‌های قدیم III، آکدی، ایسین لارسا و سلسله کاسی) نام مرهشی همواره در کنار نام ایلام باستان، ذکر شده است.

اگر سیستم فدرالی حکومت ایلامی را بپذیریم (Henrickson, 1987: 211؛ مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶-۷ و نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۸۲)، مرهشی قسمتی از همین سرزمین بوده است. نتیجه‌ای که از کتیبه‌های سارگون آکدی می‌گیریم این است که مرهشی خود نیز از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده است و ایلام و مرهشی اتحادی را با یکدیگر تشکیل داده‌اند که این اتحاد در طول ۸۰۰ سال تاریخ بعدی ایلام باستان؛ یعنی تا زمانی که مرهشی برای همیشه به وسیله کوری‌گالزوی دوّم از صحنه روزگار محو شده، تداوم داشته است. با مطالعه منابع تاریخی، به نظر می‌رسد مرهشی در نقطه‌ای نزدیک‌تر به میان‌رودان، یا در نقطه‌ای که دسترسی به میان‌رودان راحت‌تر بوده قرار داشته است، در واقع، مرهشی پایگاهی بوده که از آنجا به میان‌رودان حمله می‌نموده‌اند و برعکس هر زمان که میان‌رودانی‌ها از جنوب بابل و از مسیر شهر "در" به ایلام حمله می‌نموده‌اند، همواره اولین ضربه را مرهشی تحمل می‌کرده و اولین نقطه‌ای بوده که به تصرف در می‌آمده؛ و همان طوری که والتر هیتس اشاره نموده، مرهشی به احتمال قوی در منطقه کوهستانی پشتکوه<sup>[۲]</sup> و سرزمین اطراف کرخه‌ی علیا در قسمت شمال غرب سوزیان بوده است. مرهشی به انگیزه‌ی حفظ خود، مسلماً با ایلام روابط دوستانه‌ای داشته است؛ زیرا هر حمله‌ای که مستبدین میان‌رودان علیه ایلام طراحی می‌کرده‌اند، لزوماً از مسیر مرهشی می‌گذشته است (هیتس، ۱۳۷۱: ۸۲).

با بررسی منابع تاریخی متوجه می‌شویم که حداقل سه بار ایلامیان مرهشی را پایگاه خود نموده و از آنجا به میان‌رودان حمله نموده‌اند. اولین حمله به میان‌رودان در زمان "ریموش" آکدی است، این حمله به رهبری مرهشی‌ها بوده و ظاهراً محل درگیری‌ها نیز، مرهشی بوده است. دوّمین بار به دوره‌ی ایسین لارسا برمی‌گردد که نایب‌السلطنه



شهر "در" مدعی می‌شود که سپاه انشان، ایلام و شیماش را درهم کوبیده و مرهشی را به تصرف در آورده است، این نکته نشان می‌دهد که مرهشی پایگاه درگیری‌ها بوده است. سومین بار هنگامی است که "ریم‌سین" پادشاه لارسا برای مقابله با "حمورابی" به ایلام توسل جسته، ایلامیان به این درخواست پاسخ مثبت داده‌اند و مرهشی را به پایگاه خود تبدیل کرده و از آنجا به میان‌رودان حمله نموده‌اند. مرهشی در دوره‌ی آکدی سه بار و در دوره‌های سلسله‌های قدیم III میان‌رودان، ایسین لارسا و کاسی هر کدام یک بار مورد حمله قرار گرفته و به تصرف میان‌رودانی‌ها در آمده است. در این بین فقط در دوره‌ی اور III مورد تجاوز قرار نگرفته است. در واقع، در این دوره روابط خوب و مستحکمی بین دو طرف برقرار بوده است. سرانجام با حمله‌ی کوری‌گالزوی دوم، حیات مرهشی پایان می‌یابد و از این دوره به بعد دیگر نامی از مرهشی در منابع تاریخی آورده نمی‌شود. در واقع، دوره‌ی حیات مخاطره‌آمیز مرهشی از زمان سلسله‌های قدیم III آغاز شده و با لشگرکشی "کوری‌گالزو" دوم پایان می‌یابد.

### نظریات مختلف در مورد موقعیت مرهشی

"فرانسوا والا" موقعیت احتمالی مرهشی را در بلوچستان ایران می‌داند و به طور مفصل به این موضوع پرداخته است. ایشان موقعیت شیماشکی را در استان کرمان قرار داده و موقعیت مرهشی را در همسایگی شرق آن در بلوچستان ایران می‌داند (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۲ - ۱۹۳)؛ در حالی که نتیجه‌ی مطالعات اخیر حاکی از آن است که شیماشکی باستان نه در منطقه‌ی کرمان، بلکه به احتمال زیاد در منطقه‌ی زاگرس مرکزی واقع است (نیکنامی و رفیعی‌علوی، ۱۳۸۸؛ هیتس، ۱۳۷۱: ۸۱؛ شاخت، ۱۳۸۱: ۳۵۸؛ جانسون، ۱۳۸۱: ۵۷۹؛ Henrickson, 1987: 212). نتیجه‌گیری‌های فرانسوا والا صرفاً بر اساس تفسیر و تحلیل داده‌های مکتوب استوار است. قسمتی از منابع کتبی که ایشان بحث نموده، مربوط به لشگرکشی‌های پادشاهان میان‌رودان است. به طور مثال: در دوره‌ی ایسین - لارسا، هنگامی که "آنوم - موتابیل"، نایب‌السلطنه "در" مدعی می‌شود که سپاه انشان، ایلام و شیماش را درهم کوبیده و مرهشی را به تصرف در آورده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۲)؛ والا با استناد به این متن، معتقد است که مرهشی خارج از محدوده ایلام و در شرق قرار دارد، در حالی که متن مذکور به وضوح عکس مطلب را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر مرهشی در شرق انشان، ایلام و شیماش قرار می‌داشت؛ می‌بایستی ابتدا همه‌ی این مناطق به تصرف در می‌آمدند. سپس، مرهشی تصرف می‌شد؛ در حالی که در اینجا فقط به تصرف مرهشی اشاره شده است. در واقع، سپاهیان انشان، ایلام و شیماش بعد از شکست به مناطق داخلی خود عقب‌نشینی نموده و مرهشی را که در سرحدات مرزی با میان‌رودان و نزدیک‌تر به "در" قرار داشته، از دست داده‌اند. در اینجا مشخص می‌شود که مرهشی در نواحی غربی‌تر / شمال‌غربی‌تر شوش بوده است و سپاهیان انشان، ایلام و شیماش در آنجا با نایب‌السلطنه "در" درگیر شده‌اند. در جایی که نارام‌سین چیرگی و تسلط خود را بر "سراسر ایلام تا حد و مرز مرهشی" تأیید می‌نماید، والا معتقد است که مرهشی خارج از محدوده ایلام و در شرق قرار داشته است، در حالی که می‌توان این متن را به این شکل تفسیر نمود که نارام‌سین بر مناطقی از ایلام باستان تا حدود مرهشی (مناطق پشتکوه) تسلط یافته است. والا برای تأیید نظریه‌ی خود در مورد موقعیت مرهشی به همین شکل به ارایه و تفسیر یکسری

منابع مکتوب پرداخته است. در قسمتی از مطالب ارائه شده به ارتباطات مرهشی‌ها با مناطق "ملو‌حا" و "مکان" اشاره کرده و این موضوع را دال بر قرار داشتن مرهشی در بلوچستان ایران می‌داند (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۲ - ۱۹۳). در حالی که روابط تجاری مذکور، از لحاظ جغرافیایی ارتباط خاصی به همسایگی دو منطقه ندارد. از سویی، از نظر باستان‌شناسی محوطه‌های مهم باستانی منطقه‌ی بلوچستان ایران که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، عبارتند از: بمپور، خوراب و دامین. بمپور مهم‌ترین محوطه‌ای است که مورد مطالعات باستان‌شناسی قرار گرفته است. کاوش‌های "دکاردی" در بمپور شش دوره‌ی استقرار بین دومین ربع هزاره‌ی سوّم تا حدود سال‌های ۱۹۰۰ ق.م. را نشان داده است. در واقع، در منطقه‌ی بلوچستان ایران تاکنون آثار فرهنگی مربوط به سال‌های ۱۹۰۰ - ۱۰۰۰ ق.م. شناسایی نشده است (سیدسجادی، ۱۳۸۸: ۱۹۹ - ۲۱۱)؛ و منطقه‌ی مذکور در سال‌های ۱۹۰۰ - ۱۰۰۰ ق.م. خالی از استقرارهای مهم بوده است. در حالی که کوری‌گالزوی دوّم پادشاه کاسی بابل نابوده‌کننده‌ی مرهشی است (هیئتس، ۱۳۷۱: ۱۳۱)؛ و مرهشی تا آن زمان به عنوان یک مرکز مهم به حیات خود ادامه داده است.

"استینکلر" مکان مرهشی را در مشرق فارس و استان کرمان می‌داند (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۲ و پاتس، ۱۳۸۵: ۱۶۳). به طور کلی معروف‌ترین و شاخص‌ترین داده‌های باستان‌شناختی استان کرمان همیشه در بازه‌ی زمانی هزاره‌ی چهارم و سوّم ق.م. شناسایی شده‌اند و با ورود به هزاره‌ی دوّم ق.م. این منطقه دیگر نقش زیادی در تبادلات منطقه و به ویژه مطالعات ایلامی نداشته است. مهم‌ترین مکان استقرار حوزہ‌ی کرمان تپه یحیی است که استقرار در آن تا ۱۷۰۰ ق.م. ادامه داشته است (نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۲۰۹).

بیشتر محققان موقعیت مرهشی را در مناطق شمال و شمال غرب خوزستان می‌دانند. یکی از نقاطی که به عنوان مکان احتمالی مرهشی در نظر گرفته شده، تپه کریه نام دارد. این محل تپه‌ای بلند و مخروطی شکل به قطر ۱۸۰ متر است که در شمال شرق خوزستان واقع شده است. هم‌چنین، محوطه‌های میرولی و کمترلان در منطقه‌ی رومشگان (در پیشکوه لرستان) نیز به عنوان مکان‌های احتمالی در نظر گرفته شده است (شاخت، ۱۳۸۱: ۳۵۴).

دقیقا مشخص نیست که آیا مرهشی‌ها از نظر قومی ایلامی هستند؟ از نظر زبان‌شناسی مطالعه‌ی برخی از اسامی بزرگان مرهشی تا حدودی پیوندهایی را با زبان ایلامی نشان می‌دهد (Zadok, 1987:16). سیدگو که نایب‌السلطنه‌ی مرهشی توصیف شده است، نامی هوری دارد که مبین مکان شمالی‌تری، نزدیک‌تر به شمال عراق و شمال غرب ایران برای مرهشی است (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۶۳ - ۱۶۴). بنا به نظر والتر هیئتس، مرهشی به احتمال قوی منطقه‌ی کوهستانی پشتکوه و سرزمین اطراف کرخه‌ی علیا در قسمت شمال غرب سوزیان است (هیئتس، ۱۳۷۱: ۸۲ و نقشه‌ی شماره ۱). مجیدزاده و نگهبان نیز موقعیت مرهشی را در شمال غربی خوزستان می‌دانند (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۷ و نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۸۲). به نظر جورج کامرون مرهشی در نواحی غربی / شمال غربی دشت خوزستان بوده و در واقع پایگاهی بوده که ایلامیان از آنجا به میان‌رودان می‌تاخته‌اند (کامرون، ۱۳۷۲: ۶۱ - ۶۲).

نتیجه‌گیری

از اواسط هزاره‌ی سوم ق.م. و در زمان سلسله‌های قدیم III میان‌رودان برای اولین بار از مرهشی نام برده شده است. از آن دوره به بعد و در زمان سلسله‌های آکدی، اور III، ایسین لارسا و سلسله‌ی کاسی‌های بابل به صورت کم و بیش نام سرزمین مرهشی به میان آمده است. بیشترین دوره‌ای که از مرهشی نام برده شده، دوره‌ی اور III است. در این دوره روابط مستحکمی میان مرهشی و سلسله‌ی اور III برقرار بوده است. به جز دوره‌ی اور III، در دوره‌های دیگر نام مرهشی همواره در کنار نام ایلام باستان ذکر شده است. به نظر می‌رسد مرهشی به انگیزه‌ی حفظ خود، با ایلام روابط دوستانه‌ای داشته است یا قسمتی از سرزمین ایلام باستان بوده است. نتیجه‌ای که از کتیبه‌های سارگون آکدی می‌گیریم این است که مرهشی خود از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده است و ایلام و مرهشی اتحادی را با یکدیگر تشکیل داده‌اند که در طول ۸۰۰ سال تاریخ بعدی ایلام؛ یعنی تا زمانی که مرهشی به وسیله کوری‌گالزوی دوم برای همیشه از صحنه‌ی روزگار محو گردیده، پابرجا بوده است. همچنین، مرهشی در نقطه‌ای نزدیک‌تر به میان‌رودان، یا در نقطه‌ای که دسترسی به میان‌رودان راحت‌تر بوده، قرار داشته است، در واقع، مرهشی پایگاهی بوده که از آن‌جا به میان‌رودان حمله می‌نموده‌اند و برعکس، هر زمانی که میان‌رودانی‌ها از جنوب بابل و از مسیر شهر "در" به ایلام حمله می‌کرده‌اند، همواره اولین ضربه را مرهشی تحمل می‌کرده و اولین نقطه‌ای بوده که به تصرف در می‌آمده است. بررسی و مطالعه‌ی منابع تاریخی نشان می‌دهد که بایستی در جایی در شمال / شمال غربی دشت خوزستان و در منطقه‌ی پشتکوه استان ایلام به جستجوی مرهشی پرداخت و به احتمال زیاد مرهشی در دامنه‌های جنوبی کبیرکوه و نواحی پیرامون منطقه‌ی پشتکوه قرار داشته است. از جمله دلایلی که در این ارتباط وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

— ریموش پادشاه آکدی بعد از فتح "در"، به ایلام، مرهشی و زهر حمله کرده است. در این حمله ابتدا مرهشی به تصرف در آمده؛ و این امر می‌تواند به دلیل نزدیکی مرهشی به میان‌رودان و شهر "در" بوده باشد. به عبارت دیگر، مرهشی در میانه‌ی راه میان‌رودان و "در" به شوش قرار داشته است. در واقع، ذکر نام ایلام قبل از مرهشی، به خاطر اهمیت ایلام نسبت به مرهشی بوده است نه به این دلیل که ایلام قبل از مرهشی قرار داشته است؛ زیرا اگر ایلام قبل از مرهشی قرار می‌داشت یا اینکه مرهشی در شرق ایلام واقع می‌بود، ریموش پادشاه آکد می‌بایست ایلام را دور زده باشد و ابتدا مرهشی را تصرف می‌کرد و از جانب شرق به ایلام حمله می‌نمود که چنین کاری هم بعید و هم غیر منطقی به نظر می‌رسد.

— ارتباطات مناسبی بین سلسله‌ی اور III و مرهشی برقرار بوده است؛ به نحوی که در آن دوره مرهشی تحت-الحمایه پادشاهی سلسله‌ی اور III بوده است و برخی فرمانروایان مرهشی توسط پادشاهان این سلسله تعیین می‌شده‌اند. "شولگی" مهم‌ترین فرمانروای سلسله‌ی اور III یکی از دختران خود را به همسری فرماندار مرهشی درآورده و در زمان "امرسین" از سوی او فرماندار مرهشی تعیین شده است و هنگامی که "ایبی‌سین" شهرهای شوش، امدون و اوان را در یک روز در هم کوبیده، خبری از درگیر شدن مرهشی نبوده و ظاهراً فرماندار مرهشی متحد شاهان سلسله‌ی اور III بوده است. همه این نکات نشان دهنده نزدیکی فاصله جغرافیایی اور و مرهشی است؛ زیرا

اگر مرهشی در منطقه‌ای دورتر از اور و میان‌رودان و به عبارت دیگر، در شرق ایلام بود، وجود چنین ارتباطاتی بعید به نظر می‌رسید.

— اشاره شد که در دوره‌ی ایسین لارسا نایب‌السلطنه‌ی شهر "در" مدعی می‌شود که سپاه انشان، ایلام و شیماش را در هم کوبیده و مرهشی را به تصرف در آورده است. واضح است اگر مرهشی در منطقه‌ی شرق ایلام قرار داشت، می‌بایستی انشان، ایلام و شوش نیز تصرف می‌شدند و بعد نوبت به مرهشی می‌رسید، در حالی که سپاهیان انشان، ایلام و شیماش بعد از شکست از "انوم - موتابیل"، مرهشی را (که نزدیک شهر "در" بوده) از دست داده و عقب‌نشینی نموده‌اند.

— هنگامی که "ریم سین" پادشاه لارسا برای مقابله با حمورابی از ایلامیان کمک طلبید، ایلامیان از مرهشی به عنوان پایگاهی برای حمله به میان‌رودان استفاده نمودند. واضح و مبرهن که مرهشی بایستی در نقطه‌ای بین ایلام و بابل قرار داشته باشد تا بتوانند از آنجا به بابل حمله نمایند؛ در صورتی که اگر مرهشی در شرق ایلام، یعنی در مناطقی مانند استان فارس یا کرمان یا بلوچستان قرار داشت، استفاده از آن به عنوان پایگاهی برای حمله به میان‌رودان بی معنا بود.

— در حمله‌ی "کوری‌گالزوی" دوّم شوش و ایلام فتح شدند؛ ولی چون مرهشی بر سر راه بابل به شوش قرار داشت، ضربه‌ی اوّل حمله را متحمل و نابود گردید. در اینجا نیز مشخص است که مرهشی در منطقه‌ی شمال/شمال‌غرب شوش و در مسیر شوش به سمت بابل قرار داشته است. اگر مرهشی در شرق شوش قرار می‌داشت، می‌بایست ابتدا شوش و ایلام نابود می‌شدند. سپس، نوبت به مرهشی می‌رسید؛ در حالی که در این حمله مرهشی که در سر راه بود، کاملاً نابود شده و شوش و ایلام فتح شدند، مگر این که بپذیریم "کوری‌گالزوی" دوّم در این حمله ایلام و شوش را دور زده و از شرق ایران به شوش و ایلام حمله نموده است و ابتدا مرهشی را نابود و سپس، شوش و ایلام را فتح نموده است، که این امر نیز بعید و غیر منطقی به نظر می‌رسد.



نقشه‌ی شماره (۱): موقعیت مرهشی (ورهشی) بر اساس نظر والتر هیتس (هیتس، ۱۳۷۱: ۸۱).

### پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از تحقیقی است که در سال ۱۳۹۲ با عنوان «بررسی، شناسایی و تحلیل داده‌های محوطه‌ی باستانی کول‌خزینه» و با استفاده از بودجه‌ی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام انجام گرفته است.

۲. واژه‌ی پشتکوه، واژه‌ای است که از زمان آقامحمدخان قاجار به بعد فراوان به کار رفته است. در این تحقیق منظور از واژه‌ی «پشتکوه»؛ یعنی سرزمینی که آن طرف کبیرکوه - به طرف مرز کشور عراق - قرار دارد و شامل شهرستان‌های دهلران، آبدانان، ملکشاهی و مهران است. بقیه‌ی سرزمین استان ایلام که جلوی رشته کوه، کبیرکوه واقع شده است، پیشکوه استان ایلام گفته می‌شود که شامل دیگر شهرستان‌های تابع استان ایلام می‌باشد. در واقع، کبیرکوه که مانند دیوار بلند و ممتدی است، کلمه‌ی «پشتکوه» به خاطر آن به وجود آمده است؛ که می‌توان به طور

دقیق تعیین کرد مناطق آبدانان و دهلران و زرین‌آباد و قسمتی از مهران و ملکشاهی جزء پشتکوه محسوب می‌شوند (خیتال، ۱۳۶۹: ۱۱۶-۱۱۷ و ۱۷۶؛ امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۶۷).

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

- امام شوشتری، سید محمدعلی، (۱۳۳۱)، تاریخ جغرافیایی خوزستان، موسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران.
- پاتس، دنیل، تی.، (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه‌ی زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران.
- جانسون، گرگوری، (۱۳۸۱)، «نه هزار سال تغییر اجتماعی در غرب ایران»، در باستان‌شناسی غرب ایران، گردآورنده: فرانک هول، ترجمه‌ی زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران.
- خیتال، جعفر، (۱۳۶۹)، مجموعه آراء در مورد سرزمین پشت کوه ایلام، ناشر: کتابخانه اسماعیلی، چاپخانه فرهنگ، ایلام.
- سید سجادی، سید منصور، (۱۳۸۸)، باستان‌شناسی شبه قاره هند، انتشارات سمت، تهران.
- شاخ، رابرت، (۱۳۸۱)، «فرهنگ‌های تاریخی اولیه»، گردآورنده: فرانک هول، در باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه‌ی زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران.
- شیشه‌گر، آرمان، (۱۳۸۴)، گزارش کاوش محوطه سرخ دم لکی، کوه‌دشت لرستان (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، پژوهشکده باستان‌شناسی، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، تهران.
- کارتر، الیزابت، (۱۳۷۶)، «یادداشتی درباره‌ی باستان‌شناسی و تاریخ اجتماعی و اقتصادی شوشان»، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، در شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، ترجمه‌ی هایده اقبال، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- کامرون، جورج، (۱۳۷۲)، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه‌ی حسن انوشه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- لوین، لوئیس، (۱۳۸۱)، «عصر آهن»، گردآورنده: فرانک هول، در باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه‌ی زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۷۶)، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد ۱، تاریخ سیاسی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۷۲)، حفاری هفت تپه دشت خوزستان، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

- نیکنامی، کمال الدین و بابک رفیعی علوی، (۱۳۸۸)، «چرا جای نام شیماشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقه کرمان قرار داشته باشد»، مجله مطالعات باستان شناسی، سال اول، شماره نخست، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

- والا، فرانسوا، (۱۳۷۶)، «خلاصه‌ای از عوامل جغرافیایی ایلام»، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، در شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان شناسی، ترجمه‌ی هایده اقبال، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

- هینتس، والتر، (۱۳۷۱)، دنیای گم شده عیلام، ترجمه‌ی فیروز فیروزنیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

#### ب) منابع غیر فارسی

- Brinkman, J. A. 1972, " foreign relations of Babylonia from 1600 to 625 B.C.: the documentary evidence", *American Journal of Archaeology*, 76(3), pp. 271 – 281.

- Carter, Elizabeth, 1980, «Excavation in Ville Royale at Susa: The third millennium B.C., occupation», *DAFI*, no/11, pp.1-134.

- Carter, Elizabeth, 1991, «Ceramics VII- VIII, The early Bronze Age in south western and southern Persia», *Encyclopedia Iranica*, vol.5, fase.3, pp. 294-297.

- Carter, Elizabeth, 1998, «The archaeology of Ilam», *Encyclopedia Iranica*, vol. 8, fase. 3, pp.313-325.

- Henrickson, Robert, 1987, «Godin III & the chronology of central western Iran circa 2600-1400 B.C.», Edited by F. Hole, In *the archaeology of western Iran*, Washington DC: Smith Sonian institution Press, pp.205-227.

- Moorey, P. R. S., 1985, *materials and manufacture in ancient Mesopotamia*, B. A. R. international series 237.

- Moorey, P. R. S., 1994, *ancient Mesopotamia materials and industries*, Clarendon press, Oxford.

- Zadok, Ran, 1987, «Peoples from the Iranian plateau in Babylonia during the second millennium B.C.», *Iran*, vol. 25, pp.1-26.

## In search of ancient Marhashi in the Pusht-I Kuh region of Ilam province

Ebrahim Moradi\*

Khodakeram Mazaheri\*\*

### **Abstract**

The goal of this research is study and examination of the available information in historical resources related to Marhashi. This place is one of the full of incidents regions of Iran in second and third millenniums B.C. Marhashi was one of the important confederates of ancient Ilam, in most of its life time and its name always mentioned beside the name of ancient Ilam. In fact, it seems that Marhashi had been a part of the ancient Ilam country. This place was a base that from there, Iranians were attacking to Mesopotamia and conversely, when Mesopotamians were attacking to Iran, Marhashi was the first place that to took possession. Study and examination of the historical resources indicates that, in all probability, Marhashi was located on the Pusht-I Kuh region of Ilam province.

### **Key words**

Ilam province, Pusht-I Kuh region, Marhashi , second and third millenniums B.C., historical resources, ancient Ilam.

---

\*Assistant Professor of Islamic Azad University of Ilam

\*\* Assistant Professor of Islamic Azad University of Ilam and correspondance author